پل آزادی

۱

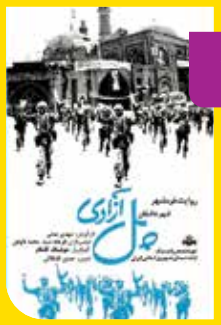

- کارگردان: مهدی مدنی
- تهیه‌کننده: واحد جنگ صداوسیما
- سال ساخت: ۱۳۹۹

مستند «پل آزادی» داستان تلاش گروه‌های مهندسی مختلف در آستانه عملیات الی بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر است، پلی به روی رود کارون که در انتها با جانبازی و ایثار خون سپاهیان رزمنده اسلام به فتح خونین شهر انجامید. عملیات بیت‌المقدس در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ حدود یک ماه بعد از عملیات فتح‌المبین شروع شد. این عملیات در حالی آغاز شد که قسمت وسیعی از خاک میهن عزیزمان در اشغال دشمن بعثی بود.

سرگرد

۲

- تهیه‌کننده: سیدمجتبی موسوی
- سال ساخت: ۱۴۰۰

مستند سه قسمتی «سرگرد» با نگاهی روایی و با استفاده از تصاویر و فیلم‌های کمتر دیده شده آرشیوی، شش ماه از عملیات بیت‌المقدس که بعدها به نام فتح خرمشهر معروف شد و نقش فرماندهی شهید سپهبد علی صیادشیرازی در این عملیاتِ پیروزمندانه بازخوانی می‌شود. این مستند به سفارش بنیاد فرهنگی روایت فتح ساخته شده است. مستند «پل آزادی» داستان تلاش گروه‌های مهندسی مختلف در آستانه عملیات الی بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر است.

فتح محال

۳

- نویسنده و کارگردان: داود مرادیان
- تهیه‌کننده: عباس مرادیان

صیاد شیرازی به ارتفاعات اطراف کوپال رفته است که خبر تلخی به گوشش می‌رسد. این مستند به بازخوانی رخدادهای سیاسی و تاریخی آن دوران پرداخته است و نگاهی ویژه به عملیات بیت‌المقدس که در سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ رقم خورد دارد. این عملیات یکی از بزرگترین عملیات‌های ایران در خلال جنگ بود. نیروهای ایرانی به فرماندهی علی صیاد شیرازی، با هدف آزادسازی خرمشهر این عملیات را آغاز کردند...

دروازه ورود به بهشت

آوینی در مستند شش قسمتی شهری در آسمان محاصره خرمشهر را روایت می‌کند

گلاویژ نادری
روزنامه‌نگار

۱ شهید سیدمرتضی آوینی مستند «شهری در آسمان» را پس از جنگ مقابل دوربین برد. با اینکه تمام طول مدت دفاع مقدس در جبهه‌ها بود و مستندهای روایت فتح را می‌ساخت اما انگار پس از جنگ بود که فهمید جای روایتی خالی است. با اینکه پیش از آن هم در تمامی فیلم‌هایش از خرمشهر و روزگار رفته بر آن، حکایت کرده بود اما می‌دانست حق مطلب را درباره شهری که باید با وضو واردش می‌شدند، ادا نکرده و به همین دلیل بود که پس از پایان جنگ و پس از شکل‌گیری موسسه فرهنگی روایت فتح به دستور آیت‌الله خامنه‌ای عزم رفتن به خرمشهر و ساخت مجموعه مستندی درباره این شهر کرد.

او زمانی وارد خرمشهر شد که شهر هنوز بوی جنگ می‌داد. نه خبری از بازسازی بود و نه حتی عزمی برای آن. خرمشهر در واقع تلی از خاک و آوارهای به جا مانده از جنگ بود. ساکنانش هم همان اهالی شهر بودند که از محله و خانه‌هایش دل نکنده و در شهرهای اطراف به طور موقت ساکن شده بودند تا به محض رفتن اغیار، دوباره به خانه برگردند. معدود خانه‌هایی در شهر سرپا بود و اهالی همان خانه‌ها هم به کاشانه خود بازگشته بودند. در این شرایط بود که آوینی به همراه گروهش پا به شهر گذاشت. جای پای محمد جهان‌آرا و همرزمان‌اش هنوز در کوچه پس‌کوچه‌های شهر مانده بود، هرچند دیگر نشانی از خانه جهان‌آرا و همراهانش به چشم نمی‌خورد اما بوی شهدا در کوچه و راه‌هایی که شبیه خیابان می‌بود، به مشام می‌رسید. آوینی در این وضعیت به خرمشهر بازگشت. همرزمان جهان‌آرا که از قافله شهادت به جا مانده بودند، جلو دوربین او می‌رفتند و از اینکه خرمشهر چطور خونین‌شهر شد و فرزندانش را چطور یک به یک از دست داد، روایت می‌کردند. روایت‌های نابی که هنوز پس از سه دهه تازه است و انگار همچنان خرمشهر همان خونین‌شهر است.

۲ سال ۱۳۷۰ بود که شهید آوینی و بقیه گروه، سفر به منطقه‌های جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کمتر از یک سال، کار تهیه شش برنامه از مجموعه ده قسمتی «شهری در آسمان» را به پایان رساندند و مقدمات تهیه مجموعه‌های دیگری در مورد آبادان، سوسنگرد، هویزه و فکه را تدارک دیدند. مقارن با همین زمان، فعالیت‌های مطبوعاتی او نیز ادامه داشت. «شهری در آسمان» که به واقعه محاصره، سقوط و بازپس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت، در ماه‌های آخر سال ۱۳۷۱ از تلویزیون پخش شد، ولی برنامه شهید آوینی برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در فکه ناتمام ماند.

انگار همانطور که آوینی در مستند «شهری در آسمان» می‌گفت، خرمشهر دروازه‌ای برای ورود به بهشت است، این مستند برای سازنده‌اش هم دروازه‌ای برای شهادت و رفتن به بهشت وعده داده شده، بود. «شهری در آسمان» پای آوینی را به بهشت موعود باز کرد و مقدمه‌ای برای پیوستن به دوستان شهیدش شد. او در تمام طول هشت سال دفاع مقدس در جبهه و کنار رفقا و دوستانش بود، آنها را یکی پس از دیگری از دست می‌داد اما آرزوی شهادت با پایان جنگ برایش محقق نشد انگار باید می‌ماند و «شهری در آسمان» را می‌ساخت تا تکلیفش را به پایان برساند و مجوز ورود به شهری را بگیرد که این بار نه در زمین که به واقع در آسمان بود.

مرتضی آوینی مستندسازی درباره دفاع مقدس را از همان زمان محاصره خرمشهر و آبادان آغاز کرد و با دوربین کوچکش همراه با یکی دو نفر دیگر در همان روزهای محاصره راهی آبادان شد. دو نفر از اعضای گروه در همان روزهای نخست جنگ در قصر شیرین اسیر شدند و نفر سوم، در حالی که تیر به شانه‌اش خورده بود از حلقه محاصره گریخت. پس از یک هفته که خرمشهر سقوط کرد و گروه که تازه توانسته بود شکل دوباره به خود بگیرد راهی منطقه شد. آن‌ها در جست‌وجوی حقیقت ماجرا به خرمشهر و آبادان رفتند که سخت در محاصره بود. ساخت مجموعه «حقیقت» این‌گونه آغاز شد.

کار گروه جهاد در جبهه‌ها ادامه یافت. عملیات والفجر هشت که آغاز شد گروه، دیگر منسجم و منظم شده بود. همین شد که مجموعه تلویزیونی روایت فتح در همان حال و هوا شکل گرفت و تا پایان جنگ هم ادامه پیدا کرد. آوینی می‌گوید: «انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند آن‌ها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند نه وظایف و تعهدات اداری. روح کارمندی نمی‌توانست در این عرصه منشأ فعل و اثر باشد. گروه‌های فیلم‌برداری ما با همان انگیزه‌هایی که رزم‌آوران را به جبهه کشانده بود کار می‌کردند... این‌جا عرصه‌ای نبود که فقط پای تکنیک یا هنر در میان باشد».

آوینی که همزمان با مستندسازی فعالیت مطبوعاتی هم داشت اما پس از جنگ و با شکل‌گیری موسسه روایت فتح به دستور مقام معظم رهبری، مستندسازی را جدی‌تر دنبال کرد و راهی مناطق جنوبی کشور شد تا هرآنچه ناگفته مانده را روایت کند. کاری که ناتمام ماند و سفری که با شهادت‌اش به پایان رسید. او تنها فرصت کرد بخشی از داستان خرمشهر را از آغاز محاصره تا سقوط به تصویر کشد. این مستند شش قسمته نیمه‌تمام ماند و شهادت آوینی مانع از ادامه ساخت این مستند شد. آوینی در پایان ششمین قسمت این مجموعه مستند می‌گوید: «شهر زمینی خرمشهر در دست دشمن افتاد، اما شهر آسمانی همچنان در تسخیر شهدا باقی ماند. از باطن این ویرانی‌ها معارجی به رفیع‌ترین آسمان‌ها وجود داشت که جز به چشم شهدا نمی‌آمد. خرمشهر مظهر همه‌ی تجاوز دشمن و مظهر همه‌ی استقامت ما بود و جنگ بر پا شد تا مردترین مردان در حسرت قافله‌ی کربلایی عشق نمانند. در پسِ این ویرانی‌ها معارجی به سال ۶۱ هجری قمری وجود داشت و بر فراز